

Challenges of recognizing rivers as legal persons under Iranian legal system

Samad Haddadi Ardakani*

Received: 2022/04/22

Ehsan Farhadi**

Accepted: 2022/07/23

Mohammad Reza Aghajani Ghannad***

Abstract

In this article, the challenges of recognizing rivers as a legal person in Iranian law have been explored, with the aim of creating a context for the protection of rivers, with an emphasis on Imamiya jurisprudence and Iranian law. The main challenge that motivated this research is the special condition that Iranian rivers have, including water scarcity and human encroachment on the river's boundaries. The main question is whether it is possible for rivers to be recognized as legal entities in Iranian legal system so that they can be more widely supported in this manner, and what will be the challenges of accepting this approach in Iranian law? Regarding this challenge, there has been no research background in Iran so far, so the necessity of examination doubles. This research, with a descriptive-analytical method, concludes that although the social, territorial and critical status of the rivers make this theory acceptable, but there are still challenges that makes it impossible to accept this approach, including the fact that rivers, in Iranian law, cannot have rights and obligations, and the mechanism of "enforcement of rights" by rivers is not provided in Iranian laws. The acceptance of rivers as a legal entity requires the reinforcement and expansion of theoretical foundations, such as possibility of removing the human-centered nature of current laws, the identification of rights for objects such as rivers, the conceptual development and legal entity and its examples, the feasibility of independence of rivers from governance and understanding to what extent recognizing rivers as legal entities can be effective in order to protect rivers. In this article, only the challenges and obstacles that exist in the acceptance of this theory in Iranian law have been examined and as long as the existing challenges exist, it will be difficult to accept rivers as a legal person.

Keywords: River, Legal person, River protection, Public properties, Environment.

* MA. Student in Private Law, Department of Private Law, Farabi Division, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author). s.haddadi1371@yahoo.com

** Ph.D. Student of private Law, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran. Ehsan.farhadi@gmail.com

*** Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Payam Noor University, Qom, Iran. Aghajani1345@gmail.com



چالش‌های شناسایی رودخانه‌ها به عنوان شخص حقوقی در نظام حقوقی ایران

صمد حدادی اردکانی*

احسان فرهادی**

محمد رضا آقا جانی فناده***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

در این نوشتار، چالش‌های شناسایی رودخانه‌ها به عنوان شخص حقوقی در نظام حقوقی ایران، با هدف پدیدایی زمینه برای حمایت از رودخانه‌ها، با تأکید بر فقه امامیه و حقوق ایران مورد کاوش قرار گرفته است. چالش اساسی که انگیزه انجام این پژوهش شد، وضعیت ویژه‌ای است که رودخانه‌های ایران با آن روبه‌رو هستند که از جمله آنها کم‌آبی و دست‌اندازی اشتخاص به حریم رودخانه‌ها می‌باشد. پرسش اصلی این است که آیا این امکان وجود دارد که در نظام حقوقی ایران رودخانه‌ها به عنوان شخص حقوقی شناخته شوند تا به کمک این روش مورد حمایت گسترده‌تری واقع شوند و چالش‌های پذیرش این دیدگاه در حقوق ایران چه خواهد بود؟ راجع به این چالش تاکنون در ایران پیشنهادی پژوهشی وجود نداشته است، از این‌رو ضرورت بررسی را دو چندان می‌کند. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی این دستاورد به دست آمد که هر چند ضرورت‌های اجتماعی، سرزمینی و جایگاه بحرانی رودخانه‌ها پشتیبانی از این نظریه را قابل قبول می‌کند، اما در این مسیر چالش‌هایی وجود دارد که امکان پذیرش این دیدگاه در حقوق ایران را سخت می‌کند، از جمله اینکه رودخانه‌ها در حقوق ایران نمی‌توانند دارای حق و تکلیف بشوند و سازوکار «اجرای حق» توسط رودخانه‌ها در حقوق ایران فراهم نیست. پذیرش رودخانه‌ها به عنوان شخص حقوقی، نیازمند تقویت و گسترش مبانی نظری است از جمله قابلیت حذف انسان‌محور بودن حقوق کنونی، شناسایی حق برای اشیاء از جمله رودخانه‌ها، توسعه مفهومی و مصداقی شخص حقوقی، امکان‌سنجی استقلال رودخانه‌ها از حاکمیت و درک اینکه تا چه اندازه شناسایی رودخانه‌ها به عنوان شخص حقوقی می‌تواند در حمایت از رودخانه‌ها اثربخش باشد. در این نویسه، تنها چالش‌ها و موانعی که در پذیرش این نظریه در حقوق ایران وجود دارد بررسی شده و تا زمانی که چالش‌های موجود وجود دارند، پذیرش رودخانه‌ها به عنوان شخص حقوقی دشوار خواهد بود.

واژگان کلیدی: رودخانه، شخص حقوقی، حمایت از رودخانه‌ها، مشترکات عمومی، محیط زیست.

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
s.haddadi1371@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
Ehsan.farhadi@gmail.com

*** استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، قم، ایران.
Aghajani1345@gmail.com



مقدمه

امروزه کمتر می‌توان تردید داشت که وضعیت رودخانه‌ها در ایران به مرز بحران رسیده است. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی میزان برداشت از منابع آبی تجدیدپذیر کشور، بیش از دو برابر استاندارد توصیه شده است و از ۶۰۹ دشت کشور ۴۱۰ دشت به‌عنوان ممنوعه یا ممنوعه بحرانی دسته‌بندی شده‌اند (اسدی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۱). از سوی دیگر مشکلات رودخانه‌ها مانند بهره‌برداری بی‌رویه، تخریب سواحل و بستر رودخانه‌ها، تغییر کاربری‌های غیرقانونی، قانون‌گذاری‌های نادرست و غیرکارشناسی، مدیریت بدون راهبرد، به‌کاربردن مدیریت‌های چندگانه و ناهمگون، آلوده شدن آبشخورهای آبی توسط کارخانه‌ها در سال‌های پیاپی، کاهش شدید سطح آب رودخانه‌ها، ورود فاضلاب‌های خطرناک و آلوده، سدسازی‌های غلط و غیراصولی، تخلیه غیراصولی زباله‌های شهری کنار رودخانه‌ها، اجرای طرح‌هایی مانند انتقال آب از یک شهر به شهر دیگر و نتایج بد آن و دیگر آثار انسانی و محیط زیستی که موجب ورود آسیب‌های بسیار سنگین به رودخانه‌ها شده است، ضرورت پشتیبانی هر چه بیشتر از رودخانه‌ها را به مدیران و قانون‌گذاران یادآوری می‌کند. بنابراین چرایی اختصاص این نوشتار به «رودخانه‌ها» وضعیت ویژه حاکم بر رودخانه‌ها مانند کم‌آبی و سوءاستفاده‌های متعددی است که از این میراث بشری می‌شود.

پرسش بنیادین نوشتار این است که آیا در حقوق ایران این امکان وجود دارد که رودخانه‌ها بتوانند همچون شخص حقوقی مورد شناسایی قرار گرفته و همانند موجودی مستقل از حقوق خود به‌وسیله نماینده‌شان دفاع بکنند و چالش‌های آن چیست؟ پیش از آن باید پرسید که چرا امکان‌سنجی اعطای شخصیت حقوقی به رودخانه‌ها موضوعی بنیادین محسوب می‌شود؟ و اینکه آیا پذیرش این فرضیه می‌تواند کمکی به نظام حقوقی ایران بکند؟ در پاسخ باید بیان داشت که ممکن است مبانی‌ای مانند: مطابقت با «اصل احتیاط»^۱، «اصل توسعه پایدار» در چنین پژوهش‌هایی مورد توجه قرار بگیرند، اما از دیدگاه این پژوهشگر، مبنای بنیادین را باید در «ضرورت» جستجو کرد، همچنان‌که برخی از پژوهشگران نیز به این مبنا متمایل شده‌اند (Chandan, 2018, p. 2). ضرورت حمایت از رودخانه‌ها به‌عنوان عامل مهم ادامه حیات بشر، زمینه را برای حمایت از چنین نظریه‌ای را فراهم می‌کند، به‌لحاظ پیشینه پژوهشی نیز باید گفت که تاکنون هیچ پژوهشی با این

موضوع در ایران صورت نگرفته است. دستاوردی که در این پژوهش به دست آمد، این است که پذیرش رودخانه‌ها به عنوان شخص حقوقی در حقوق ایران چالش‌های متعددی دارد و عمده چالش‌ها عدم وجود مبانی نظری و قانع‌کننده است و هر چند برخی از چالش‌ها قابل پاسخ و تحلیل هستند، اما مسائلی مانند شناسایی حق و تکلیف برای رودخانه‌ها از نظر بنیادی در حقوق ایران ناشناخته است که البته غیرقابل حل و چاره‌سازی نیست. قابل ذکر است که در این مقاله تنها چالش‌ها و موانع پذیرش این نظریه در حقوق ایران بررسی شده است و از دیدگاه نویسنده این نوشتار، تا زمانی که موانع چاره‌سازی نشوند، ارائه زیرساخت و سازوکار مناسب نیز امکان‌پذیر نخواهد بود. برای رسیدن به نتیجه‌ای مناسب در آغاز باید دید که مفهوم شخص حقوقی چیست و وضعیت حقوقی رودخانه‌ها در حقوق ایران چگونه شناسایی شده است و در ادامه پذیرش رودخانه‌ها به عنوان شخص حقوقی با چه چالش‌هایی مواجه خواهد بود.

۱. شخص حقوقی

۱-۱. مفهوم شخص حقوقی

می‌توان در شناخت شخص حقوقی چنین بیان داشت که شخص حقوقی آن موجودی است که می‌تواند دارای حق و تکلیف بشود. ماده ۵۸۸ قانون تجارت چنین بیان می‌دارد که: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت - بنوت و امثال ذلک». اگر گفته شود طرح و پی‌ریزی موضوعی به نام «شخص حقوقی» در اندیشه‌های حقوقی ناشی از «ضرورت» اجتماعی بوده است، ادعای بی‌منطقی طرح نشده است. به این بیان که ضرورت حمایت از حقوق افراد و گروه‌های مختلف، موجب پذیرش شخص حقوقی شده است، همچنان که برخی از نویسندگان نیز به‌طور ضمنی اشاره داشته‌اند، حمایت قانون‌گذار از «شخص حقوقی» به دلیل حمایت از منافع «گروه‌ها و اجتماعات بشری» بوده است (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۱).

پاره‌ای از نویسندگان بیان داشته‌اند که شخص حقوقی «هنگامی پدید می‌آید که دسته‌ای از افراد که دارای منافع و فعالیت مشترک هستند یا پاره‌ای از اموال که به

اهداف خاصی اختصاص داده شده‌اند، در کنار هم قرار بگیرند» (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۲). بر اساس مبنای ضرورت اجتماعی که مطرح شد، این دستاورد حاصل می‌شود که لزومی ندارد که پاره‌ای از اموال به هدف خاصی اختصاص داده شوند و سپس عنوان شخص حقوقی بر آن جریان یابد، زیرا همان‌طور که بیان شد، هدف از در نظر گرفتن شخص حقوقی «ضرورت» و «حمایت» بوده است. بنابراین ممکن است یک مال به مرحله‌ای از ارزش برسد که ضرورتی بنیادین ایجاد کند که به‌عنوان شخص حقوقی شناخته بشود تا مورد حمایت بهتری قرار بگیرد. این استدلال تکرار ادعا نیست و مبنای نظری پذیرش «شخص حقوقی» در برخی از نظام‌های حقوقی همین موضوع است که قابل بسط دادن به مواردی مانند «رودخانه‌ها» است. قابل ذکر است ساوینی^۲ حقوق‌دان آلمانی در تبیین مبنای «ضرورت» بیان می‌دارد که همان‌طور که کودک نمی‌تواند حقوق خود را به‌صورت مستقل اجرا کند و نیازمند سرپرستی است که وی را نمایندگی کرده و مانع از آسیب دیدن وی شود، شخص حقوقی نیز مانند کودکی است که بدون وجود نماینده نمی‌تواند از حقوق خود دفاع کند (Geldart, 1911, p. 90). بر اساس این هم‌سنجی و مقایسه حتی اگر قائل به فرضی بودن شخص حقوقی باشیم (همچنان‌که ساوینی از آن دفاع می‌کند)، باز هم عنصر ضرورت حفظ و حمایت بوده است که مایه پشتیبانی از نظریه «شخص حقوقی» شده است (احمد علی، ۲۰۱۶م، ص. ۵۴).

۲-۱. مفهوم و مبانی نظری شناسایی رودخانه‌ها به‌عنوان شخصیت حقوقی

در این نوشتار منظور از شخصیت حقوقی برای رودخانه مفهوم ایجابی و سلبی آن است، با این بیان که رودخانه‌ها همانند «شرکت‌ها» حقوقی دارند و می‌توانند دارای مال بشوند، برای حفظ حیات خود نسبت به هر کسی طرح دعوی کنند و در صورتی که به آنها ضرری وارد شود، بتوانند مطالبه خسارت کرده و آن وجه را همانند شخص حقوقی برای خود و در مصالح خود از راه نماینده قانونی خرج نمایند، در پروژه‌های مالی که مرتبط با رودخانه است شرکت کرده و طرف قرارداد واقع شوند و از سوی دیگر نسبت به دیگران متعهد شوند. برای نمونه رودخانه‌ها موظف باشند حقوق مجاورین خود را رعایت کرده و اگر نماینده رودخانه با تصمیمات نادرست مایه خسارت به دیگران بشود،

رودخانه و نماینده حسب مورد مسئولیت خواهند داشت (Chandan, 2018, p. 7). بنابراین معنای شخصیت حقوقی رودخانه‌ها تنها این نیست که دیگران ملزم به نگه‌داشتن احترام رودخانه‌ها هستند. پیش از ورود به بحث باید پرسید که آیا طبیعت بر پایه بنیادهای حقوقی کنونی، می‌تواند «دارای حق و تکلیف» بشود؟ برخی از پژوهشگران ادعا کرده‌اند که در دوران کهن، در بسیاری از قوانین عرفی، جمعیت‌های بومی طبیعت را به‌عنوان یک موضوع «واجد حق» مورد شناسایی قرار می‌داده‌اند و به تعبیر دیگر طبیعت با حقوق «انسانی» شناخته می‌شده است (Lidia Cano, Pecharroman, 2018, p. 2). از سوی دیگر فیلسوفان طرفدار حقوق طبیعت، استدلال‌ات متعددی برای حمایت از شخصیت حقوقی برای طبیعت ارائه داده‌اند. برخی بیان داشته‌اند که نیازی نیست که هر صاحب حقی، صاحب تکلیف هم باشد و برای این موضوع، طبیعت را با کودک مقایسه کرده‌اند که همان‌گونه که کودک می‌تواند در دادگاه دارای وکیل باشد و مسئولیتی هم ندارد، طبیعت نیز می‌تواند در دادگاه به طرح دعوی پردازد و تکلیف قانونی خاصی نداشته باشد (Leimbacher, 2016, p. 146). برخی دیگر از اندیشمندان نظریه «تکاملی بودن دانش حقوق» را به‌عنوان بنیاد پذیرش شخصیت حقوقی برای رودخانه‌ها به پیش کشیده‌اند. با این توضیح که همچنان که در سال‌ها و قرن‌های گذشته بانوان از بسیاری از حقوق محروم بودند، اما بر اساس تکامل انسان و پختگی دانش حقوق، این محدودیت‌ها برطرف شد، امروزه نیز بر همین بنیاد بایستی طبیعت را دارای شخصیت حقوقی دانست که بتواند از حقوق خود دفاع کند (Nedelsky, 1993, p. 1). برخی دیگر از پژوهشگران بیان داشته‌اند که از سویی، ملازمه بین «موجود زنده بودن» و «صاحب حق بودن» قابل تردید است، زیرا حجم زیادی از پرونده‌های حقوقی مربوط به اشخاص حقوقی‌ای است که نه‌تنها موجود زنده نیستند که حتی واقعیت عینی هم ندارند، درحالی‌که دست‌کم طبیعت یک واقعیت عینی و قابل درک دارد و از سویی دیگر، هر چند شناخت طبیعت به‌عنوان شخصیت حقوقی چالش‌های زیادی دارد، اما آنچه عامل اساسی در این ایرادها است، «انسان‌محور» بودن دانش حقوق است که نیازمند تغییر است. بنابراین باید تعریف شخص حقوقی بازسازی شده و برای حمایت از طبیعت، نه با نگاهی انسان‌محور که با نگاهی واقع‌بینانه و اینکه

طبیعت در کانون تعاریف حقوقی قرار بگیرد، موضوع را مورد پژوهش قرار بدهیم (Lidia Cano Pecharroman, 2018, p. 9). در هر صورت باید گفت که حقوق کشورهایی که این موضوع را مورد بحث قرار داده‌اند، تمایل به پذیرش شخصیت حقوقی برای رودخانه و طبیعت دارند و هر چند استدلال‌های ایشان در پاره‌ای موارد دارای خردگیری است، اما روی هم رفته حقوق‌دانان این کشورها در تلاش برای نظریه‌پردازی قوی‌تر پیرامون این موضوع هستند.

۲. وضعیت رودخانه‌ها در نظام حقوقی ایران

تا پیش از اینکه به صورت ویژه قانونی پیرامون حمایت از آب و رودخانه‌ها تصویب بشود، به مواد ۱۴۸ تا ۱۶۰ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ رجوع می‌شد که رودخانه‌ها را قابل حیاقت می‌دانست، اما با تصویب قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷، رودخانه‌ها در زمره مشترکات عمومی قرار گرفته و ثروت ملی محسوب شدند. یکی دیگر از مهم‌ترین قوانین در حوزه آب و رودخانه‌ها، قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ است که وضعیت حقوقی رودخانه‌ها در نظام حقوقی کشور را بررسی کرده است. بر اساس ماده ۱ این قانون:

«بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آب‌های دریاها و آب‌های جاری در رودها و انهار طبیعی و دره‌ها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی، سیلاب‌ها و فاضلاب‌ها و زه‌آب‌ها و دریاچه‌ها و مرداب‌ها و برکه‌های طبیعی و چشمه‌سارها و آب‌های معدنی و منابع آب‌های زیرزمینی از مشترکات بوده و در اختیار حکومت اسلامی است و طبق مصالح عامه از آنها بهره‌برداری می‌شود. مسئولیت حفظ و اجازه و نظارت بر بهره‌برداری از آنها به دولت محول می‌شود.»

بر اساس این ماده، رودخانه‌ها با سه ویژگی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند: «مشترکات» بوده و «در اختیار حکومت اسلامی قرار دارند» و همچنین دولت بر اساس «مصالح عامه» باید آنها را مورد رسیدگی قرار بدهد. در واقع این ماده توجه به اصل ۴۵ قانون اساسی نیز دارد که رودخانه‌ها «در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.»

مشترکات عمومی در قوانین به صراحت تعریف نشده است، اما از ماده ۲۶ قانون مدنی می‌توان مفهوم مشترکات عمومی را برداشت کرد. این ماده اموالی که در اختیار هیچ‌کس نیست و «دولت به‌عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد» را نیز اموال دولتی محسوب کرده است که البته به تعبیر برخی از حقوق‌دانان، واژه اموال دولتی در معنای عام به‌کار رفته است و منظور از آن مشترکات عمومی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ص. ۲۱). آنچه در این بخش ضروری است مورد توجه قرار بگیرد، این است که رابطه دولت نسبت به مشترکات عمومی بر چه مبنایی استوار بوده و وظیفه‌ای که قانون‌گذار برای دولت راجع به رودخانه‌ها تعیین کرده است، بر اساس چه معیاری می‌باشد؟

احتمال نخست این است که گفته شود هیچ‌کس مالک رودخانه‌ها نیست و هر کسی حق استفاده و تملک از رودخانه‌ها را دارد. این دیدگاه در ماده ۱۴۸ قانون مدنی بیان شده است که «هر کس در زمین مباح نه‌ری بکند و متصل بکند به رودخانه آن نهر را احیاء کرده است و مالک آن نهر می‌شود ولی مادامی که متصل به رودخانه نشده است تحجیر محسوب می‌شود». بر اساس این ماده و مواد بعدی کسی در حیات مباحاتی که توسط اشخاص صورت می‌گیرد، نه می‌تواند دخالت کند و نه می‌تواند منعی ایجاد بکند. این نظریه ساده با تحولات اجتماعی کنار گذاشته شده و اساساً کسی نمی‌تواند رودخانه‌ها را مالک بشود و یا در خصوص آب‌ها ادعای حیات و یا مالکیت بکند، زیرا ضرورت اجتماعی و ارزش آب و منابع طبیعی چنان آشکار شده است که اگر قرار باشد چنین اجازه‌ای داده شود، محیط زیست به نابوی کشیده خواهد شد.

احتمال دوم این است که گفته شود دولت نسبت به مشترکات مالکیت دارد، این دیدگاه نیز مورد پذیرش نیست و هر چند که در ماده ۲ قانون آب و نحوه ملی شدن آن بستر انهار را «متعلق به دولت» توصیف کرده است، اما برداشت مالکیت دولت نسبت به بستر رودخانه‌ها غلط است و همان‌طور که ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب بیان داشته است، بستر رودخانه‌ها در اختیار حکومت جمهوری اسلامی است و در اختیار حکومت اسلامی بودن با ملک حکومت بودن متفاوت است و در هیچ منبع فقهی هم بحث از مالکیت حکومت اسلامی نسبت به رودخانه‌ها نشده است، زیرا بر اساس دیدگاه برخی

از فقیهان که در ادامه بیان خواهد شد و مورد پذیرش قانون‌گذار نیز قرار گرفته است، رودخانه‌ها مشترکات عمومی هستند و نه انفال، بنابراین تعبیر برخی از نویسندگان که بیان داشته‌اند: «در حقیقت، اکنون در حقوق موضوعه مالکیت دولت بر آب‌های عمومی محرز است» (کریمی، ۱۳۷۸، ص. ۶۲)، سخنی کاملاً ناصواب است؛ زیرا نه با مبانی فقهی سازگاری دارد به این دلیل که در هیچ منبع فقهی ذکر نشده است که حاکم و یا حکومت اسلامی مالک رودخانه‌ها است و نه هیچ‌یک از مواد قانونی به صراحت مالکیت دولت نسبت به رودخانه‌ها را ذکر کرده است. از سویی دیگر روشن نیست که در صورت پذیرش مالکیت دولت نسبت به آب‌ها و رودخانه‌ها، چگونه می‌توان مسئولیت دولت را در برابر تصمیماتی که راجع به آب‌ها و رودخانه‌ها می‌گیرد به اثبات رساند! در حالی که برخی از آسیب‌های بسیار مهمی که به رودخانه‌ها وارد می‌شود بر اساس تصمیمات و اقدامات نادرست سازمان‌ها و ارگان‌هایی است که وظیفه حمایت از رودخانه‌ها را دارند و این امر موجب شده مسئله کم‌آبی و نحوه استفاده از رودخانه‌ها به موضوعی امنیتی در جامعه فعلی محسوب بشود (باقری و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۱۹۹). بنابراین بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی و همچنین قانون توزیع عادلانه آب، تمام مشترکات عمومی و ثروت‌های ملی و اموال عمومی و اموال مباح در اختیار حکومت اسلامی قرار دارند که باید بر اساس مصالح عمومی مورد استفاده قرار بگیرند و رابطه دولت و رودخانه‌ها رابطه تصدی‌گری و نظارت است. از سویی دیگر نباید گمان شود که اصل ۴۵ رودخانه‌ها را در زمره انفال ذکر کرده است، زیرا در این اصل از دو اصطلاح «انفال» و «ثروت‌های عمومی» یاد شده است که گویای این است که تمام مصادیق این اصل ناگزیر انفال محسوب نمی‌شوند. به همین دلیل بود که شورای نگهبان در هنگام بررسی قانون توزیع عادلانه آب اصرار داشت که رودخانه‌ها به‌عنوان مشترکات عمومی ذکر شوند و بیان داشت: «اینکه آب‌ها را از انفال ذکر کرده شرعاً صحیح نیست و پیشنهاد می‌شود نوشته شود: «از مشترکات است و در اختیار دولت» (مهرپور، ۱۳۸۸، ج ۱، ص. ۱۹۵).

احتمال سوم جمع بین دیدگاه مشترکات عمومی بودن رودخانه‌ها و تولیت و سرپرست بودن دولت است. با این تحلیل که هر چند رودخانه‌ها در گروه مشترکات عمومی قرار می‌گیرند، اما دولت نسبت به آنها «تولیت» داشته و هر کسی نمی‌تواند

مالک رودخانه‌ها بشود (حبیبی و نجارزاده هنجنی، ۱۳۸۸، ص. ۷۳). در این دیدگاه بر خلاف نظر فقیهانی که عقیده دارند رودخانه‌ها در زمره مشترکات محسوب می‌شوند و هر کسی هم با حیازت می‌تواند مالک آن‌ها بشود (صاحب جواهر، ۱۴۰۸ق، ج ۳۸، ص. ۱۱۹)، دیدگاه شایستگی مالک رودخانه‌ها شدن مورد پذیرش واقع نشده است. در احتمال سوم، هر چند هیچ‌کس مالک رودخانه‌ها نیست اما دولت به‌عنوان متولی، وظیفه سرپرستی این آب‌ها را انجام خواهد داد؛ بنابراین مشترکات عمومی بودن و تولید دولت جمع شده است. قابل ذکر است که قانون‌گذار در قانون توزیع عادلانه آب از این دیدگاه تبعیت کرده است، یعنی هر چند رودخانه‌ها مشترکات عمومی هستند، اما تنها دولت است که می‌تواند نسبت به آن تصمیم‌گیری کند. با این بررسی کلی، روشن می‌شود که در حقوق ایران، شخصیت حقوقی داشتن رودخانه‌ها مورد پذیرش قرار نگرفته است و جایگاهی ندارد. زیرا بر اساس مواد قانونی مرتبط و دیدگاه‌های حقوقی، رودخانه‌ها را یا باید «مشترکات» دانست و یا «ملک حکومت اسلامی» و یا «مشترکات بودن و در عین حال تحت سرپرستی حکومت اسلامی» قرار داشتن و شخص حقوقی بودن رودخانه جایگاهی در حقوق ایران نداشته است.

۳. چالش‌ها و موانع موجود در پذیرش رودخانه‌ها به‌عنوان شخص حقوقی

در این بخش بررسی می‌شود که آیا این امکان وجود دارد که با هدف «حفظ» و «حمایت» از محیط زیست، با این فرض که آگاهی به «بحرانی» شدن مسائل مربوط به محیط زیست دست‌کم در آینده‌ای نزدیک وجود دارد، بدون رویگردانی از معیارها و سنجه‌های بنیادین، برای رودخانه‌ها شخصیت حقوقی در نظر گرفت؟ و در این صورت ایرادهایی که ممکن است به این اندیشه وارد بشود چیست؟ این نظریه البته در برخی نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار گرفته است و چندان با دیدگاه‌های حقوقی نیز بیگانه نیست. برای نمونه فصل ۷ از قانون اساسی کشور اکوادور^۳ در اصول ۷۱ تا ۷۴ طبیعت را دارای «حق» می‌داند و طبیعت را به‌عنوان موجودی که می‌تواند «احترام به حق خود را مطالبه کند» معرفی کرده است. همچنین بر اساس لایحه تسویه مطالبات رودخانه «وانگانوی^۴»، مصوب پارلمان کشور نیوزیلند در سال ۲۰۱۷، این رودخانه دارای شخصیت حقوقی شناخته شده است^۵، به‌گونه‌ای که همانند یک انسان می‌تواند از حقوق

خود دفاع کرده و دولت نیز در برابر نماینده این رودخانه که از فعالان محیط زیستی بوده و غیروابسته به دولت است، باید نسبت به اقدامات خود پاسخگو باشد. همچنین دادگاهی در ایالت اوتارکاند هند، بعد از این رخداد، دو رودخانه مقدس جَمْنَا^۶ و گَنگ^۷ در هند را به‌عنوان شخص حقوقی مورد شناسایی قرار داد. در رأی این دادگاه نکاتی قابل توجه وجود دارد که بخشی از آن ذکر می‌شود:

رودهای جَمْنَا و گَنگ موجودات زنده انسانی هستند، این رودخانه‌ها در حال از دست دادن هستیشان هستند و وقت آن رسیده که اقداماتی خارق‌العاده برای مراقبت و محافظت از آنها انجام گیرد. علاوه بر آن، این رودخانه‌ها برای هندوها مقدس هستند و نقشی مهم در معیشت فیزیکی و روحی ساکنان منطقه بازی می‌کنند... این رودخانه‌ها موجوداتی حقوقی و زنده هستند و همه حق‌ها، مسئولیت‌ها و تعهدات آنها نظیر شخصیت‌های حقوقی خواهد بود (Erin O'Donnell, 2020, p. 88).^۸

در متن رأی، موضوع «ضرورت» حمایت از این دو رودخانه و «مقدس بودن» آنها و «جایگاه مهم این دو رودخانه در معیشت فیزیکی و روحی ساکنان منطقه»، مورد توجه دادگاه قرار گرفته و بر اساس این سه مبنا، حکم به این داده است که رودخانه‌ها همانند موجود زنده بوده و تمام مسئولیت‌ها و تعهدات یک انسان زنده را می‌توانند داشته باشند. بنابراین می‌توانند آشکارا و آزاد بر علیه اشخاصی که به حقوقشان آسیب زده‌اند شکایت کرده و همانند یک انسان در دادگاه‌ها طرح دعوا کنند.

باید دانست که در دیدگاه شناسایی رودخانه‌ها به‌عنوان شخص حقوقی، رابطه دولت با رودخانه‌ها قطع نخواهد شد، بلکه دولت نیز یکی از نمایندگان رودخانه خواهد بود و در نتیجه در برابر عدم ایفای نمایندگی و یا تقصیر در انجام وظیفه نیز باید مسئول باشد و این‌گونه نیست که هر تصمیمی که در خصوص رودخانه بگیرد شایسته حمایت باشد، بلکه تنها باید بر اساس اصول و قواعد مربوط به نمایندگی نسبت به حفظ و نظارت بر رودخانه اقدام بکند، در نتیجه رودخانه‌ها در فرض نمایندگی شخصیت حقوقی مستقل خود را خواهند داشت.

حال باید گفت که هر چند در حقوق ایران راجع به امکان‌سنجی شناسایی طبیعت به‌عنوان شخص حقوقی، تاکنون پژوهشی از سوی حقوق‌دانان نمایانده نشده است، اما این امر غیرممکن نیست، اگر «مبانی نظری» و «زیرساخت‌های اجرای حق توسط

رودخانه‌ها»، تقویت بشود، می‌توان انتظار شناسایی رودخانه‌ها به عنوان شخص حقوقی را داشت. به‌راستی باید گفت که پذیرش رودخانه‌ها امری عجیب و ناشدنی و محال نیست. در صورتی که نظام حقوقی ایران بتواند «ضرورت بنیادین» حمایت و پشتیبانی از طبیعت و رودخانه‌ها و اهمیت «پیشگیری از آسیب‌های جبران‌ناپذیر» را به‌عنوان مبنای درک رودخانه‌ها به‌عنوان شخص حقوقی مورد توجه قرار بدهد، ممکن است که بتوان حمایت از این دیدگاه را شدنی دانست. در ادامه بررسی می‌شود که پذیرش این دیدگاه در حقوق ایران، چه چالش‌هایی را ایجاد خواهد کرد و اینکه آیا قابل پاسخ‌گویی هستند؟ به‌نظر می‌رسد وجود برخی از چالش‌ها پذیرش این دیدگاه را با دشواری روبه‌رو خواهد کرد.

۳-۱. مهم‌ترین چالش‌های پذیرش رودخانه‌ها به‌عنوان شخص حقوقی

بی‌گمان پذیرش انگاره شخصیت حقوقی برای رودخانه‌ها، چالش‌ها و ایرادهای متعددی را به پیش خواهد کشید و ای‌بسا غیرواقعی تشخیص داده شود، زیرا افزون بر اینکه در فقه امامیه، رودخانه‌ها با عناوینی مانند «انفال» و یا «مشترکات عمومی» بودن توصیف شده‌اند، پذیرش این موضوع در نظام حقوقی ایران نیز بحث‌برانگیز خواهد بود، از سوی دیگر حتی در نظام‌های حقوقی کشورهای اروپایی نیز موضوع شخصیت حقوقی داشتن رودخانه‌ها همچنان دارای چالش‌های متعددی است و مورد پذیرش تمام حقوق‌دانان نیست (Alexandre, 2018, p. 167)، هر چند در سال‌های اخیر با پذیرش گسترده‌تری همراه بوده است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین چالش‌ها اشاره و مورد تحلیل قرار می‌گیرد که آیا قابل حل و چاره‌جویی هستند؟

۳-۱-۱. عدم وجود مفهومی به نام شخص حقوقی در فقه

بر اساس این ایراد، مفهوم «شخص حقوقی» در فقه امامیه جایگاهی ندارد و نظریه‌ای ناشناخته در فقه محسوب می‌شود و در نتیجه نمی‌توان برای رودخانه‌ها شخصیت حقوقی قائل شد. در پاسخ به این ایراد از دو شیوه استدلالی بهره خواهیم برد، پاسخ نخست، نقضی بوده و استدلال نهفته در ایراد را به‌وسیله بیان دست‌کم یک مورد خلاف و نایکسان مورد خدشه قرار می‌دهد.

پاسخ نقضی این است که در فقه امامیه نیز مواردی را می‌توان یافت که شخص حقوقی مورد شناسایی قرار گرفته است و مصادیقی نیز وجود دارد که اگرچه به صراحت و روشنی به عنوان شخص حقوقی ذکر نشده است، اما تمامی ارکان شخصیت حقوقی را داشته و نشان‌دهنده این است که زمینه‌های در نظر گرفتن یک شخصیت مستقل برای برخی اشیاء در تحلیل فقیهان وجود داشته است.

در بحث از زکات، پرسیمانی مطرح شده است که برآمده از رخدادهای اجتماعی و ضرورت‌های زندگی بوده است. برخی از پیروان امام صادق (علیه‌السلام) به آن حضرت مراجعه کرده و بیان می‌نمودند که کسانی برای گرفتن زکات به ما مراجعه می‌کنند در حالی که هنوز زمان پرداخت زکات نرسیده است، در این حالت چه باید کرد؟ امام در پاسخ بیان می‌داشتند که: «چه مانعی دارد که وقتی - چنان‌که می‌گویی - مال‌دار هستی، به او پرداخت کنی؛ بعد وقتی زمان زکات تو رسید، آن را جزو زکات خود حساب کنی؟» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص. ۳۴). این روایت و موارد مانند آن فقیهان را در بررسی و واکاوی، وارد چالش کرده است، به این بیان که ماهیت پولی که پرداخت می‌شود چیست؟ (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۵۵۸) تا اینکه فقهی مانند سید محمدکاظم یزدی، به روشنی زکات را به عنوان یک موجود مستقل مورد پذیرش قرار داده است. وی بیان می‌دارد:

«برای حاکم شرعی جایز است که به عهده زکات و به حساب زکات قرض کند و آن مورد را در مصارف زکات خرج و هزینه بکند در مواردی که مفسده و آسیبی وجود داشته باشد که تنها به هزینه کردن مال امکان داشته باشد و حاکم نیز بودجه و اموالی نداشته باشد و یا اینکه فقیری به وی مراجعه بکند که تنها از این راه کمک کردن به وی امکان داشته باشد... و یا پل و مسجدی باشد که نیازمند بازسازی و تعمیر است و مانند آنکه در اینجا حاکم می‌تواند بر ذمه زکات قرض بکند و بعد بدهی را از محل زکات پرداخت کند [یعنی زمانی که از طریق زکات پولی به دست آمد قرض را بدهد].»

وی برای بیان برهان سخن خود چنین بیان می‌دارد که: «هیچ ضرری ندارد و خردمندان نیز از این شیوه استفاده می‌کنند» (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص. ۱۸۱). نظریه یزدی از سوی برخی فقیهان دیگر نیز مورد پذیرش واقع شده است (سبحانی، ۱۴۱۶ق، ص. ۱۵۴). بنابراین پذیرش شخص حقوقی در فقه بی‌سابقه هم نیست. از سوی دیگر این سخن

که شاید تصور این فقیه از مفهوم شخصیت حقوقی متفاوت از تصور امروزی ما است، از دیدگاه پژوهشی قابل خردگیری است، به این دلیل که معیار این نیست که فقیهان به صراحت از اصطلاح شخصیت حقوقی نام برده باشند، بلکه سنجه بنیادین این است که آیا «ارکان» و «بنیادهای» شخص حقوق در فقه نیز مورد پذیرش واقع شده است؟ این امر در ادامه بررسی خواهد شد. در مواردی دیگر نیز می‌توان پیش‌زمینه‌های پذیرش شخص حقوقی در فقه امامیه را مورد مطالعه قرار داد، برای نمونه اندیشه تعلق موقوفه به خداوند، می‌تواند پژوهشگر را به این تحلیل نزدیک کند که هر چند نامی از شخص حقوقی برده نشده است، اما در عمل، شخص حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته است، برخی از اساتید حقوقی نیز همین ریشه‌یابی را از متون فقهی داشته‌اند:

«صرف‌نظر از اشکال‌هایی که بر دیدگاه مالکیت خداوند متعال بر موقوفه شده است، اما در این مجاز و فرض حقوقی نخستین نشانه‌های باور فقیهان به وجود شخصیت و اصالت وقف در سایه منسوب کردن آن به خداوند متعال دیده می‌شود، در این مجاز گویی، عین حبس شده از هر گونه تعلق می‌رهد و به منبعی بالاتر از خاکیان وابسته می‌شود، این در حالی است که همه محققان اسلامی بر این باورند که خداوند قادر و مالک همه چیز است و هنگامی که سخن از مالکیت می‌رود مقصود این است که در روابط اجتماعی ملک به چه شخصی اختصاص داده شده است؛ بنابراین منسوب کردن مال به مالک نخستین جهان، رفع اشکال در روابط انسان‌ها نمی‌کند جز اینکه به ملک اصالتی بیرون از تعلق‌های متعارف می‌بخشد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۳، ص. ۱۵۰).

اما در پاسخ حَلّی باید دانست که ایراد فوق دارای کاستی‌هایی است و از اساس نمی‌تواند مورد پذیرش واقع بشود. در ایراد فوق یک استدلال نهفته است که «چون در فقه امامیه از شخص حقوقی بحث نشده است، پس نمی‌توان شخص حقوقی را مورد پذیرش قرار داد»، اما این ایراد از این جهت قابل خدشه است که معیار بنیادین برای پذیرش شخصیت حقوقی این است که «بتواند صاحب حق و تکلیف بشود» (Bryant, 1928, p. 1). بنابراین زمانی که نمونه‌هایی مانند «زکات»، به صراحت می‌تواند «مدیون» بشود، چرا باید پذیرش شخصیت حقوقی در فقه را مورد انکار قرار داد؟ از سوی دیگر برخی از فقیهان معاصر و هم‌روزگار نیز بر پذیرش شخصیت حقوقی در فقه تصریح

ورزیده‌اند (خمینی، ۱۴۰۸ق، ص. ۲۶۶ و مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص. ۸۰). البته جای این پرسش باقی است که آیا به صرف اینکه فقیهان پذیرفته‌اند که مصادیقی مانند زکات می‌توانند مدیون بشوند، به این معنا است که تمام حقوق و تکالیف دیگر را نیز دارا باشند؟ برخی بیان می‌دارند که آری این امر امکان دارد (خرازی، ۱۳۸۴، ص. ۱۰)؛ اما برخی دیگر امکان سرایت همه حقوق و تکالیف به شخص حقوقی را مورد پذیرش قرار نداده‌اند (حائری، ۱۳۷۹، ص. ۳۳). به نظر می‌رسد که این چالش همچنان وجود دارد و به علت عدم نظریه‌پردازی جدی در حوزه شخصیت حقوقی در فقه امامیه و حقوق ایران، امکان پذیرش رودخانه به‌عنوان شخص حقوقی از این دیدگاه دچار چالش خواهد بود و استدلال بالا تنها «امکان مدیون» شدن شخص حقوقی را توجیه می‌کند و نه توسعه تمام احکام و تکالیف به شخص حقوقی. بنابراین اگر حقوق ایران بخواهد رودخانه‌ها را به‌عنوان شخص حقوقی مورد شناسایی قرار بدهد، باید در موضوع شخصیت حقوقی و اعطای آن به طبیعت و رودخانه به تقویت مبانی نظری خود بپردازد و آن را به پختگی لازم برساند.

۳-۱-۲. مغایرت با دیدگاه پذیرفته شده در فقه مبنی بر مشترکات بودن رودخانه‌ها

این چالش مبتنی بر این ایراد است که در فقه امامیه رودخانه‌ها در دسته مشترکات بوده و همه افراد می‌توانند از آنها بهره‌مند شده و حتی برخی بیان داشته‌اند در صورتی که رودخانه به قصد تملک مورد استفاده واقع بشود اشخاص مالک آن می‌شوند (شهید ثانی، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص. ۱۸۴ و حکیم، ۱۴۳۳ق، ج ۳، ص. ۱۶۸)؛ در حالی که اگر رودخانه‌ها به‌عنوان شخص حقوقی شناخته شوند، رودخانه‌ها دیگر قابلیت تملک را از دست داده و این امر مغایر با بنیادهای فقهی و حقوق ایران است.

در رویارویی و مواجهه با این ایراد، دو پاسخ از جنبه نقضی و حلی سزاوار طرح می‌باشد: در پاسخ نقضی اگر دست‌کم یک نمونه خلاف برای استدلالی که در متن ایراد وجود دارد ارائه بشود، به نتیجه مدنظر دست می‌یابیم، نخستین خرده‌گیری این است که همه فقیهان باور به مشترکات عمومی بودن رودخانه‌ها نداشته و پاره‌ای از ایشان بیان می‌دارند که رودخانه‌ها انفال بوده و کسی نمی‌تواند مالک آنها بشود (سیستانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص. ۲۷۳). همچنین در قانون توزیع عادلانه آب قانون‌گذار در ماده ۱ از

دیدگاه پذیرفته شده در فقه امامیه عدول کرده و هر چند آب‌ها را در زمره مشترکات قرار داده است، اما دسترسی افراد جامعه را به رودخانه‌ها به‌طور مطلق محدود کرده و «حکومت اسلامی» را موظف به اداره آنها بر اساس مصالح افراد جامعه کرده است. در این ماده قانون‌گذار هر چند آب‌ها را در زمره مشترکات توصیف کرده است، ولی در ذیل ماده، قیدی افزوده است که در عمل هیچ فرقی با این ندارد که رودخانه‌ها در زمره مشترکات محسوب نشوند و تا جایی که پاره‌ای از نویسندگان گمان کرده‌اند که بر اساس قانون توزیع عادلانه آب، دولت مالک آب‌ها و رودخانه‌ها محسوب می‌شود (کریمی، ۱۳۷۸، ص. ۶۲). مشترکات عمومی زمانی مشترکات است که همه افراد بتوانند از آن استفاده کرده و حتی آن را «حیازت» کنند، همچنان که قانون مدنی از ماده ۱۴۶ تا ۱۶۰ این حق را به افراد داده است. بنابراین مهم‌ترین استدلال نقضی این است که خود قانون‌گذار از دیدگاه فقهی تبعیت نکرده است و این مهم‌ترین دلیل است که قانون‌گذار بر اساس یک «ضرورت بنیادین» لازم دیده است که خود، سرپرستی وضعیت رودخانه‌ها را به‌دست گرفته و مانع نابودی آنها بشود.

اما پاسخ حکلی که می‌توان به این ایراد داد، این است که این ایراد بر محور این نکته قرار گرفته است که چون دیدگاه پذیرفته شده در قانون مبتنی بر مشترکات عمومی بودن رودخانه‌ها است، بنابراین غیرقابل تبدیل است، درحالی‌که هیچ ایرادی ندارد که حکمی که در گذشته در فقه مورد پذیرش بوده است، اکنون به شکل دیگری اجرا بشود و این همان اجتهادی است که بر پایه دو عنصر زمان و مکان، سعی در ارائه راه‌حل برای بحران‌های اجتماعی دارد. نباید از یاد برد که در اجتهاد «موضوع» جایگاه بسیار اساسی دارد و اگر جایگاه موضوع در اجتهاد مورد غفلت واقع بشود، اساساً جامعه دچار پس‌روی شده و ضرورت‌های اجتماعی نادیده گرفته می‌شود، موضوع به تعبیر برخی از محققان یعنی آنچه که فعلیت یافتن حکم متوقف بر وجود آن موضوع است (صدر، ۱۴۰۶، ج ۱، ص. ۱۲۱ و مظفر، ۱۴۲۰، ج ۱، ص. ۱۹۴). به تعبیری تا زمانی که شرابی وجود نداشته باشد و شرب خمری وجود نداشته باشد، حرمتی نیز نخواهد بود و از همین رو زمانی که موضوع تغییر کند، حکم هم تغییر خواهد کرد. در خصوص جایگاه زمان و مکان در اجتهاد عبارتی از امام خمینی در خصوص محیط

زیست و مرتبط با بحث فعلی وجود دارد که نقل می‌شود:

«... و رهان در سبق و رمایه مختص است به تیر و کمان و اسب دوانی و امثال آنکه در جنگ‌های سابق به کار گرفته می‌شده است و امروز هم در همان موارد است؟ ... آن‌گونه که جنابعالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید باید به کلی از بین برود و مردم کوچ‌نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی کنند (خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲۱، ص. ۱۵۰).

در این بیان جایگاه موضوعات و اینکه تغییر موضوعات می‌تواند باعث شود حکم توسعه پیدا بکند به خوبی ذکر شده است؛ بنابراین می‌توان در پاسخ حلی به ایراد فوق چنین بیان داشت که هر چند موضوع در بحث فعلی «رودخانه‌ها» همان است که ده قرن پیش هم بود، اما تغییر در موضوعات همیشه ماهوی نیست بلکه گاهی کارکرد اجتماعی موضوع تغییر می‌کند (تقوی، ۱۳۷۴، ص. ۲۰). در بحث رودخانه‌ها وضعیت کارکرد اجتماعی رودخانه‌ها چنان تحول پیدا کرده است که مانع از این می‌شود که همان دیدگاهی که در گذشته، در خصوص رودخانه‌ها وجود داشت، امروز هم وجود داشته باشد ایشان مجدداً چنین می‌گویند:

«... انفال که بر شیعیان حلال شده است امروز هم شیعیان می‌توانند بدون هیچ مانعی با ماشین‌های کذایی جنگل‌ها را از بین ببرند و آنچه باعث سلامت محیط زیست است را نابود کنند! و جان میلیون‌ها انسان را به خطر بیندازند و هیچ‌کس حق نداشته باشند مانع آنها باشد!» (خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲۱، ص. ۱۵۱).

علاوه بر این باید توجه کرد که شناسایی رودخانه‌ها به‌عنوان شخص حقوقی، منافاتی با این ندارد که رودخانه‌ها همچنان در زمره مشترکات محسوب بشوند؛ بلکه همچنان‌که در زمره مشترکات هستند، واجد شخصیت حقوقی مستقل بوده و حتی دولت نیز در برابر رودخانه‌ها مسئول محسوب شده و رودخانه می‌تواند در کنار دولت که به‌عنوان «تولیت» از رودخانه حمایت کرده و آن را در مصالح عمومی مورد استفاده قرار می‌دهد، دارای نماینده مستقل از دولت بوده و مانع از این شد که حتی دولت نیز از وظایف «تولیت» تخطی بکند.

۳-۱-۳. عدم امکان پیش‌بینی اهلیت برای رودخانه‌ها در نظام حقوقی ایران

این ایراد بر این منطق استوار است که زمانی می‌توان «شخص» را دارای شخصیت دانست که «اهلیت» هم داشته باشد و حال آنکه مشخص نیست چگونه می‌توان رودخانه را به‌عنوان شخص حقوقی مورد شناسایی قرار داد و آن را دارای اهلیت نسبت به حق و تکلیف دانست؟ به تعبیر دیگر، شخصیت حقوقی با ذمه مالی مرتبط است و کسی می‌تواند شخصیت حقوقی داشته باشد که بتواند دارای ذمه مالی باشد و لذا کسی یا چیزی که نتوان برای او ذمه مالی تصور کرد، نمی‌توان برای او شخصیت حقوقی و اهلیت در نظر گرفت (شکرانی و فرجام، ۱۳۹۴، ص. ۲). بنابراین معیار بنیادین برای اینکه موضوعی به‌عنوان «شخص حقوقی» شناخته بشود، این است که بتواند اهلیت داشتن حق و تکلیف را دارا باشد و برای داشتن اهلیت استیفاء داشتن تمیز و اراده شرط است (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۴)، و حال آنکه در بحث حاضر رودخانه‌ها چنین امکانی را ندارند.

در پاسخ به این ایراد، همانند موارد پیشین از دو شیوه تقضی و حَلّی بهره خواهیم برد. در آغاز باید گفت که این ایراد اهلیت را به‌معنایی که در انسان وجود دارد، مورد توجه قرار داده و بر اساس آن، اهلیت رودخانه‌ها را مورد نقد قرار می‌دهد، در پاسخ تقضی، مصادیق متعددی را می‌توان بیان کرد که دارای «اهلیت»، آن‌گونه که شخص حقیقی واجد آن است نیستند ولی به‌عنوان شخص حقوقی شناخته می‌شوند و می‌توان گفت تمام اشخاص حقوقی این‌گونه هستند و هیچ‌گاه نمی‌توان گفت که برای نمونه یک شرکت سهامی مانند انسان دارای اختیار بوده و می‌تواند به صورت مستقل اراده کند و تصمیم بگیرد و از همین رو ماده ۵۸۸ قانون تجارت از ذکر اهلیت برای اشخاص حقوقی خودداری نموده و تنها بیان کرده است که: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط برای انسان ممکن است» (مهدوی و حبیبیان، ۱۳۹۳، ص. ۲۸).

اما در پاسخ حَلّی به ایراد فوق، باید گفت استدلالی که در ایراد مذکور به‌کار رفته است، دارای «اشتباهی» است که موجب می‌شود استدلال از اساس باطل باشد، در این ایراد، ضروری دیده می‌شود که همان اهلیتی که شخص حقیقی واجد آن است، همان را

نیز شخص حقوقی داشته باشد، درحالی‌که این امر امکان‌پذیر نیست. زیرا که شخص حقوقی نمی‌تواند دارای اراده حقیقی باشد. از طرف دیگر، همان‌طور که برخی از پژوهشگران بیان داشته‌اند، زمانی می‌توان گفت موضوعی غیر از انسان، شخصیت حقوقی دارد که بتواند تملک کند و صلاحیت مالک شدن را داشته باشد؛ بنابراین اگر ثابت کنیم که فلان موضوع از نظر فقه اسلامی، اهلیت تملک حقوق را دارد و می‌تواند مالک حقوق (خواه حق مالکیت یا سایر حقوق) شود، در واقع ثابت کرده‌ایم که آن موضوع از نظر فقه اسلامی، واجد شخصیت حقوقی است (مهدوی و حبیبیان، ۱۳۹۳، ص. ۳۰). بنابراین اگر توجهی به موضوعاتی که در فقه اسلامی دارای اهلیت تملک هستند بشود، روشن خواهد شد که این موضوعات منطبق با همان وضعیت شخص حقوقی هستند، از نمونه‌ای که از سید کاظم یزدی نقل شد مبنی بر اینکه حاکم می‌تواند برای زکات قرض کند، روشن می‌شود که ضرورتی ندارد که مدیون شخص حقیقی باشد، زیرا «مالکیت» از اموری نیست که نیازمند مالک و مملوک حقیقی باشد؛ بلکه امری اعتباری است و همچنان که مالکیت اعتباری است، مالک و مملوک نیز ممکن است اعتباری باشند و این موضوع یعنی اعتباری بودن مالکیت هم در دیدگاه مفسران قرآن کریم و هم در دیدگاه فقیهان به شکلی مشهود و نمایان قابل بررسی است (خویی، ۱۳۷۷ق، ج ۲، ص. ۲۶؛ اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص. ۲۶؛ محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص. ۱۰۶ و مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۱۹۷). از همین رو برخی از فقیهان، به صراحت بیان می‌دارند که مالکیت به دلیل اعتباری بودنش، قابلیت این را دارد که حتی به صورت موقت باشد (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص. ۲۵۲)؛ بنابراین هیچ ایرادی ندارد که رودخانه به‌عنوان یک شخص حقوقی در نظر گرفته شود و ایراد عدم امکان اهلیت هم از جوانب متعدد مخدوش است.

۳-۱-۴. عدم امکان اجرای حق توسط رودخانه در صورت پذیرش به‌عنوان شخص حقوقی

چالش دیگری که در خصوص پذیرش شخصیت حقوقی برای رودخانه‌ها قابل طرح است، این است که رودخانه چگونه می‌تواند در برای حفظ حقوق خود اقدام به دادخواهی بکند. اصل ۳۴ قانون اساسی که بیان می‌دارد: «دادخواهی حق هر فرد است»، این حق را منحصر به «انسان‌ها» دانسته است؛ زیرا که دادخواهی از حقوق مدنی شمرده

می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۴، ص. ۲۹۴)، اما طبیعت و رودخانه مشخص نیست که چگونه می‌تواند به دادخواهی بپردازد. از سویی دیگر با توجه به اینکه دادخواهی نوعی «استیفاء حق» مسحوب می‌شود، بر اساس ماده ۹۵۸ قانون مدنی اشخاص برای دادخواهی باید «اهلیت» اجرای داشته باشند، به همین منظور یکی از شرایط طرح دعوا در دادگاه‌ها این است که خواهان و خوانده شایستگی اجرای حق را داشته باشند و در غیر این صورت بر اساس بند ۳ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ با قرار رد دعوا مواجه خواهند شد. این چالش تنها در حقوق ایران قابل طرح نیست. در کشورهای دیگر نیز این ایراد همواره مطرح است که چگونه می‌توان برای رودخانه جایگاهی در «دادخواهی» و «اجرای حق» در نظر گرفت (Erin, 2018, p. 3). وجود حق زمانی اثربخش است که قابلیت اجرایی شدن را نیز داشته باشد (Erin, 2018, p. 1) و مشخص نیست سازوکار اجرایی برای دادخواهی توسط رودخانه و مطالبه حق توسط وی چگونه است و همچنین چگونه یک رودخانه می‌تواند متعهد و مدیون شده و در دادگاه به‌عنوان خواننده طرف دعوا قرار بگیرد. از سویی دیگر سازوکار اجرایی برای پذیرش شخص حقوقی هم با دشواری مواجه خواهد شد.

در تحلیل این ایراد، باید دو جنبه تحلیل نقضی و حلی را مورد توجه قرار داد. در پاسخ نقضی، می‌توان موقوفه عام را مثال زد که چه تفاوتی بین موقوفه عام و رودخانه وجود دارد که موقوفه بتواند اجرای حق کند اما رودخانه نتواند؟ بر اساس ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه: «موقوفه عام دارای شخصیت حقوقی است» و بسیاری از اموری که شخص حقوقی می‌تواند دارا بشود، مانند تعلق بدهی به ذمه، خرید و فروش، وجود حق مالکیت، حق احترام، موقوفه عام نیز می‌تواند آن را دارا بشود (فیاض و برهانی، ۱۳۹۸، ص. ۱۶۸). تنها تفاوت در این است که در فقه امامیه عنوان شخص حقوقی ذکر نشده است. بنابراین همچنان که نهاد موقوفه در حقوق ایران به‌عنوان شخص حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته و می‌تواند «اجرای حق» کند، رودخانه‌ها چه نقص و کاستی نسبت به موقوفه دارند که نتوانند شخص حقوقی شناخته شوند؟

از سویی دیگر در پاسخ حلی باید گفته شود که هر چند حقوق‌دانان کشورهایمانند

نیوزیلند، هند، اکوادور، اسپانیا و کانادا که متمایل به پذیرش رودخانه‌ها به‌عنوان شخص حقوقی شده‌اند نیز می‌پذیرند که مسائلی مانند اهلیت رودخانه، اجرای حق و سازوکارهای اجرایی این نظریه هنوز دارای ابهام‌هایی است، اما باید توجه داشت که می‌توان در پذیرش مبانی این نظریه دست به بازسازی برخی از بنیادهای حقوقی زد و لزومی به تکیه به بنیادهای سنتی در فقه و حقوق نیست، زیرا اگر قرار باشد که بر اساس مبانی سنتی شخصیت حقوقی رودخانه‌ها را به رسمیت بشناسیم، قطعاً به مشکل برخورد می‌کنیم، در دهه هفتاد میلادی، پروفیسور کریستوفر دی استون^۹، نخستین شخصی بود که دست به بازسازی مبانی نظری دانش حقوق زد و طرح شخصیت حقوقی برای «طبیعت» را مطرح کرد، وی در مقاله خود، با ذکر عبارت: «این ترمیم باید به نفع طبیعت باشد» (Christopher, 1972, p. 458)، مبنای «نفع‌گرایی» را مورد توجه قرار داد، بنابراین اگر اعطای شخصیت حقوقی به طبیعت نفع مهمی به طبیعت می‌رساند و جایگاه وی را تقویت می‌بخشد، چرا نباید این ایده را معتبر شناخت؟ برخی دیگر، مفهوم «ضرر» را برای تقویت رودخانه و طبیعت برای اجرای حق توسعه داده‌اند، به این معنا که در دانش حقوق فقط افراد هستند که می‌توانند نسبت به ضرر خود مطالبه کنند و اگر هم خسارت به اشیاء بایستی جبران شود به این خاطر است که «متعلق به افراد انسانی» هستند، درحالی‌که این امر ظالمانه است، زیرا اشیاء به‌خاطر تعلق به «انسان» هستند که مورد احترام واقع می‌شوند، درحالی‌که این دیدگاه انسان‌محور به «طبیعت» در نهایت موجب بی‌ارزش شدن طبیعت شده و بایستی تغییر کند (Bertagna, 2006, p. 420). ازسوی دیگر اثرات تخریب رودخانه و محیط زیست بدون تردید به خود انسان بازخواهد گشت. فارغ از مبانی دیگری که از سوی پژوهشگران مطرح شده است، این پژوهشگر برای پاسخ به چالش ذکر شده و دیگر چالش‌ها، نظریه «تولیت و سرپرستی» را مناسب با فقه و حقوق ایران می‌داند و تجربه موقوفه عام و پذیرش نهاد «تولیت» برای آن، می‌تواند دست‌کم برخی از ایرادات را پوشش بدهد، هر چند که می‌پذیریم که فارغ از مبانی نظری، زیرساخت‌های اجرای حق توسط رودخانه در نظام حقوقی ایران، چندان مهیا نیست و نیاز به درک ضرورت حمایت از رودخانه‌ها از سوی مسئولان است و ازسوی دیگر نیازمند تهیه زیرساخت‌های اجرایی برای این موضوع است. این استدلال در حقوق آمریکا نیز قابل توجه است، قاضی ویلیام دو داگلاس^{۱۰} در پرونده «باشگاه سیرا

علیه مورتون» در حمایت از اینکه طبیعت بتواند در دادگاه شرکت کند، بیان می‌دارد: زمانی که با مسائلی که پیامدهای عظیمی دارند روبه‌رو می‌شویم، باید از سخت‌گیری‌های مبانی سنتی دست بکشیم (M. MARGARET MCKEOWN, 2019, p. 199).

نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل «چالش‌های شناسایی رودخانه‌ها به‌عنوان شخص حقوقی در نظام حقوقی ایران»، از یک‌سو بیان‌گر ضرورت حمایت هر چه تمام‌تر از این سرمایه خدادادی است و از سوی دیگر بیانگر ابهاماتی است که ممکن است پذیرش این دیدگاه در حقوق ایران را مورد تردید قرار دهد و تا زمانی که این چالش‌ها حل و چاره‌جویی نشوند، امکان ارائه مبانی نظری قابل پذیرش وجود نخواهد داشت. ماده ۱ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ رودخانه‌ها را مشترکات محسوب کرده و در اختیار حکومت اسلامی قرار داده است، اما ضرورت‌های زیست‌محیطی و همچنین تجربه ناتوانی برخی از قوانین در حمایت از رودخانه‌ها، ضرورت شناسایی رودخانه‌ها به‌عنوان شخص حقوقی را دو چندان کرده است.

در نوشتار حاضر با هدف بررسی چالش‌های موجود در پذیرش رودخانه‌ها به‌عنوان شخص حقوقی، با مطالعه گسترده در منابع فقهی و حقوقی، چالش‌هایی که ممکن است مانع پذیرش این دیدگاه شوند بررسی و روشن شد که برخی از چالش‌ها قابل چاره‌جویی هستند و برخی دیگر خیر و نتایج زیر حاصل شد:

۱- پذیرش رودخانه‌ها به‌عنوان شخص حقوقی امری غیرممکن نیست و در برخی از کشورها مانند نیوزیلند، اکوادور، هند و کانادا، این نظریه کم‌وبیش مورد حمایت قرار گرفته است؛ اما اینکه چرا بر خلاف ایران در این کشورها این نظریه مورد پذیرش قرار گرفته است، هم به دلیل عدم تفاوت بین انسان و طبیعت در ذی‌حق بودن است و اینکه در چرخه حیات طبیعت دارای جایگاه مهمی بوده و بنابراین بایستی مورد حمایت قرار بگیرد و حقوق کنونی انسان‌محور بوده و بایستی به‌جای انسان‌محور بودن، حق‌محور بودن جایگزین شود و هم به دلیل برداشتی است که از محیط زیست وجود دارد و اینکه ضرورت حمایت از حیات بشر ایجاب می‌کند که برای رودخانه‌ها شخصیت حقوقی در نظر گرفته شود. این قبیل موارد در حقوق

ایران تا حدودی مورد بحث واقع نشده است و برای پذیرش این نظریه بایستی بحث شوند.

۲- درک حمایت از رودخانه‌ها به عنوان یک ضرورت بنیادین و همچنین تکیه به قاعده لاضرر و اینکه تخریب رودخانه‌ها و استفاده‌ها غلط و نابجا از این نعمت خدادادی از مهم‌ترین مصادیق ضرر و خسارت محسوب می‌شود، ضرورت توجه قانون‌گذار به حمایت از رودخانه‌ها در قالب اعطای شخصیت حقوقی را دو چندان می‌کند. از سوی دیگر رودخانه‌ها انفال نیستند و در زمره مشترکات عمومی محسوب می‌شوند و جمع بین شخصیت حقوقی داشتن رودخانه‌ها با مشترکات عمومی محسوب شدن نیز امکان‌پذیر است.

۳- هر چند برخی از اشیاء در فقه و حقوق ایران به عنوان موجودی مستقل شناسایی شده‌اند، مانند زکات که از دیدگاه برخی از فقیهان می‌تواند موجودی مستقل محسوب شده و مدیون بشود و یا اینکه موقوفه عام به عنوان موجودی مستقل در فقه امامیه و حقوق ایران شناسایی شود و این نمونه‌ها می‌تواند زمینه را برای پذیرش رودخانه‌ها به عنوان شخص حقوقی هموار کند، اما امکان مدیون شدن به این معنا نیست که این مصادیق در فقه امامیه بتوانند تمام حقوق و تکالیف انسان را داشته باشند و به نظر می‌رسد برای اعطای شخصیت حقوقی به رودخانه‌ها در حقوق ایران، نیاز به تقویت مبانی نظری است از جمله قابلیت حذف انسان‌محور بودن حقوق کنونی، شناسایی حق برای اشیاء از جمله رودخانه‌ها، توسعه مفهومی و مصداقی شخص حقوقی بر مبنای ضرورت، امکان‌سنجی استقلال رودخانه‌ها از حاکمیت، پاسخگویی و مسئولیت دولت نسبت به وضعیت رودخانه‌ها و درک این موضوع که تا چه اندازه شناسایی رودخانه‌ها به عنوان یک شخص حقوقی می‌تواند در حمایت از رودخانه‌ها اثربخش باشد.

۴- یکی دیگر از چالش‌های پذیرش رودخانه‌ها به عنوان شخص حقوقی، شیوه اجرای حق توسط رودخانه‌ها در نظام قضائی ایران است، به این دلیل که اجرای حق توسط رودخانه‌ها زیرساخت‌های لازم را نداشته و نیازمند تقویت زیرساخت‌های نظری و اجرایی است.

یادداشت‌ها

۱. در مواردی که نوآوری مهمی در یک نظام حقوقی وارد می‌شود و مبانی نظری ویژه‌ای در خصوص آن وجود ندارد که آن را توجیه کند و علت آن مشخص نیست، گفته می‌شود که بر اساس این قاعده تا هنگامی که در خصوص آثار اقدامی قطعیتی وجود ندارد، نباید دست به آن اقدام زد، مگر آنکه بی‌ضرر بودن آن برای محیط زیست اثبات شود. حال برخی از طرفداران فرضیه اعطای شخصیت حقوقی به رودخانه‌ها بیان می‌دارند، این فرضیه هیچ ضرری برای محیط زیست ندارد و برعکس حافظ منافع محیط زیست است و در نتیجه می‌توان آن را مورد توجه قرار داد و موافق با اصل احتیاط است.

Rupert Read and Tim O'Riordan (2017). *The Precautionary Principle Under Fire, Environment: Science and Policy for Sustainable Development, Environment*, (59), pp. 4-15

2. Friedrich Carl von Savigny

3. Ecuador

4. Whanganui

5. https://www.parliament.nz/en/pb/hansard-debates/rhr/combined/HansDeb_20170314_20170315_12: last visited on 25/4/2022.

6. Yamuna

7. Ganges

۸. «<http://eco-literacy.net/rivers-as-legal-persons>»: بازدید در تاریخ: ۱۴۰۱/۱/۳۰.

9. Christopher D. Stone

10. William O. Douglas

کتابنامه

احمد علی، عبدالله (۲۰۱۶م). *الشخصیه الاعتباریه فی الفقه الاسلامی*. دبی: مطبوعه دبی. اسدی، مراد؛ مظاهری، مهدی و عبدالمنافی، نرجس (۱۴۰۰). *بررسی تحلیلی شرایط موجود و تبیین وضعیت آینده بحران آب در کشور*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

اصفهان، محمدحسین (۱۴۱۹ق). *حاشیه‌المکاسب*. بیروت: دارالمصطفی.

باقری، رضا؛ شیاری، علی؛ احدی، پرویز و اسمعیل‌زاده، علیرضا (۱۴۰۰). *حکمرانی و اقتصاد سیاسی بحران آب در جمهوری اسلامی ایران*. *فصلنامه علمی سیاست جهانی*، (۳۶)، صص. ۱۸۵-۲۱۲.

- بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق). *التواعد الفقهيه*، قم: الهادی.
- تقوی، سید مرتضی (۱۳۷۴). تحول موضوعات در فقه، *مجله فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)*، (۳)، صص. ۲۴۰-۲۰۷.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۱). *مجموعه محشی قانون مدنی*. تهران: گنج دانش.
- حائری، سید محمدکاظم (۱۳۷۹). مالکیت‌های شخصیت‌های حقوقی. *فصلنامه فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)*، (۲۱)، صص. ۴۰-۱۷.
- حبیبی، محمدحسن و نجارزاده هنجنی، مجید (۱۳۸۸). ملاک تمیز انفال و نسبت آن با سایر عناوین مالکیت عمومی. *فصلنامه حقوق خصوصی*، سال ششم، (۱۵)، صص. ۷۶-۵۵.
- حکیم، محمدسعید (۱۴۳۳ق). *منهاج الصالحین*، قم: دارالهلال.
- خرازی، سید محسن (۱۳۸۴). پژوهشی در اقسام بانک‌ها و احکام آنها. *فصلنامه فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)*، (۴۳)، صص. ۱۹-۳.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۵). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۰۸ق). *استفتائات*. تهران: مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۷ق). *مصباح الفقاهه*، قم: داوری.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۶ق). *نظام المضاربه فی الشریعه الاسلامیه الغراء*. قم: مؤسسه الامام الصادق (علیه‌السلام).
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۵ق). *منهاج الصالحین*. قم: دفتر آیت‌الله العظمی سیستانی.
- شکرانی، مهرداد و فرجام، بهزاد (۱۳۹۴). *اعتبار شخصیت حقوقی سامانه‌های هوشمند در حقوق ایران*. همایش ملی علوم انسانی اسلامی، دوره اول.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۳۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- صاحب‌جواهر، محمدحسن (۱۴۰۸ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۶ق). *دروس فی علم الاصول*. بیروت: دارالکتب اللبنانی.
- صفایی، سید حسین و قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۹۲). *حقوق مدنی اشخاص و محجورین*. تهران: سمت.

- فیاض، محمداسحاق و برهانی، محمدجواد (۱۳۹۸)، فلسفه و جایگاه شخصیت حقوقی از منظر اسلامی. فصلنامه اندیشه معاصر، سال پنجم، (۱۷)، صص. ۱۵۷-۱۷۰.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). عقود معین (عطایا). تهران: گنج دانش.
- کریمی، عباس (۱۳۷۸). مالکیت دولت نسبت به آب‌های عمومی و اراضی وابسته به آن. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۴۵)، صص. ۵۹-۶۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق). المعتمد فی شرح المختصر. قم: مؤسسه سید الشهدا (علیه‌السلام).
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). آشنایی با قرآن. تهران: نشر صدرا.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۲۰ق). اصول الفقه. قم: دفتر نشر اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق)، استفتائات. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه‌السلام).
- مهدوی، اصغرآقا و حبیبیان، مهدی (۱۳۹۳). بررسی اهلیت شخص حقوقی در فقه و حقوق. پژوهشنامه میان رشته‌ای فقهی، سال دوم، (۲)، صص. ۲۷-۴۹.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۸)، مجموعه نظریات شورای نگهبان. تهران: دادگستر.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۴)، حقوق اساسی و آزادی‌های اساسی. تهران: میزان.
- یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۹ق). العروة الوثقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- Alexandre, Lillo (2018). Is Water Simply a Flow? Exploring an Alternative Mindset for Recognizing Water As a Legal Person. *Vermont Journal of Environmental Law*, Vol. 19, No. 2.
- Bertagna, B. R. (2006). "Standing up" for the environment: the ability of plaintiffs to establish legal standing to redress injuries caused by global warming. *Brigham Young University Law Review*, pp. 415-471.
- Bryant, Smith (1928). Legal Personality, *The Yale Law Journal*. Jan., Vol. 37, (3), pp. 283-299.
- Chandan B. R. Reddy (2018). *Legal Personality to Rivers: An In-Depth Analysis*. *Acclaims*, Volume 3, August,
- Christopher D. Stone (1972). *Should Trees Have Standing, Toward Legal Rights for Natural Objects*, *Southern California Law Review*, Imprint Routledge.
- Erin L. O'Donnell and Julia Talbot-JonesWilliam (2018). Creating legal rights for rivers: lessons from Australia, New Zealand, and India, *Ecology and Society*, 23, 1.
- Erin O'Donnell (2020). *Legal Rights for Rivers: Competition, Collaboration and Water Governance*. English, Routledge.
- Geldart, (1911), *Legal Personality*, Oxford: Clarendon.

- Leimbacher, H. (2016). Gender and Nature in Comparative Legal Cultures. In Comparing Legal Cultures; Nelken, D., Ed.; Routledge: New York, NY, USA, Chapter 8, p. 146. ISBN 9781855218987.
- Lidia Cano Pecharroman, Rights of Nature: Rivers That Can Stand in Court, Resources 2018, 7, 13; doi.
- M. MARGARET MCKEOWN (2019). The Trees Are Still Standing: The Backstory of Sierra Club v. Morton. *Published on behalf of the Supreme Court Historical Society*, 2(44).
- Nedelsky, J. (1993). *Reconceiving Rights as Relationship*. Volume 1, Issue 1, Available online: <https://ssrn.com/abstract=2045687> (accessed on 11 February 2018).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی